

اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا رهیافت جامعه‌محور؟

(مورد مطالعه: شهر سبزوار)

محمد کریم منصوریان* و حسین قدرتی**

*گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

**دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز

چکیده

طرح بحث: مقاله حاضر به بررسی اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن در شهر سبزوار می‌پردازد. متغیر وابسته این پژوهش، اعتماد اجتماعی است که با دو بعد اعتماد رقیق یا تعمیم‌یافته و اعتماد غلیظ یا خاص‌گرایانه سنجیده شده است. با این حال تمرکز اصلی این تحقیق بر اعتماد رقیق است و چارچوب نظری مورد نظر نیز برای تبیین اعتماد رقیق، ارائه شده است. فرضیه‌های این تحقیق از دو نظریه استخراج گردیده است: نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و نظریه نهادی رزستین و استول.

روش تحقیق: روش پژوهش کمی و تکنیک مورد استفاده، پیمایش می‌باشد. بدین منظور نمونه‌ای ۶۰۰ نفری از افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر سبزوار به طور تصادفی انتخاب شده، مورد مصاحبه قرار گرفتند یافته‌ها: یافته‌های آزمون تک‌متغیره نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل تجربه تبعیض، فساد، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد نهادی (این چهار متغیر مربوط به نظریه نهادی است) و سن، با اعتماد رقیق رابطه معنادار وجود دارد. جهت رابطه برای دو متغیر اول، معکوس و برای باقی متغیرها، مستقیم می‌باشد. اما رابطه متغیرهای میزان عضویت در گروه‌های رسمی، میزان استفاده از رسانه‌ها، میزان عضویت در گروه‌های غیررسمی، تحصیلات، درآمد و مرتبه شغلی معنادار نیست. در آزمون چندمتغیره، متغیرهای اعتماد نهادی، فساد، امنیت اجتماعی و سن، به ترتیب وارد معادله شدند. این متغیرها در مجموع ۵۳ درصد از واریانس متغیر وابسته اعتماد رقیق را تبیین می‌کنند.

نتیجه: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قدرت تبیین نظریه نهادی نسبت به نظریه سرمایه اجتماعی جهت تبیین هر دو بعد اعتماد به ویژه اعتماد رقیق، در جامعه مورد مطالعه بسیار بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، تبعیض، فساد، نسل‌ها.

Social Trust and Its Determinants: Institutional Theory or Social Capital theory?(Case Study: Sabzevar City)

M.K. Mansoorian* and H. Ghodrati**

* Sociology Department, Shiraz University

** Ph. D. Student, Shiraz University

Abstract

Objective: This study aims at investigating social trust and its determinants in Sabzevar city. The dependent variable social trust has been measured through two dimensions: thick trust and thin trust. However our emphasis is on the second one. Hypotheses have been extracted from two theories: social capital theory of Putnam and institutional theory of Rothstein and Stolle.

Method: Through survey method and questionnaire technique, a sample of 600 individuals at the age of 18-65 was interviewed.

Findings: Results indicates that there is a significant relationship between independent variables including discrimination experience, corruption, feeling social security, institutional trust (these four variables are based on institutional theory) as well as age, and thin trust. These relationships are negative for the first two variables and positive for the rest. However there is not a significant relationship between variables such as participation in formal groups, using media, participation in informal groups, education, income, and job rank. In multivariate analysis using stepwise regression method, four variables entered in the model orderly: institutional trust, corruption, social security and age. The four variables explain 53 percent of the variance of dependent variable- thin trust.

Result: All together we found out the Rothstein and Stolle's institutional theory is more suitable to explain social trust than Putnam's social capital theory.

Keywords: Corruption, Discrimination, Generations, Institutional Trust, Social Trust.

مقدمه

فرسایش شود، نظم و انسجام اجتماعی نیز با چالش‌هایی مواجه می‌گردد. زیمل جامعه شناس آلمانی معتقد است که بدون وجود اعتماد در بین افراد جامعه، آن جامعه فرو می‌پاشد چرا که بسیاری از روابط میان آدمیان، بر عدم قطعیت بین آنها استوار است. به باور زیمل، تعاملات انسانی، بیش از دلایل عقلانی و ملاحظات شخصی، از طریق اعتماد استمرار می‌یابد (Simmel, 2004: 178-9).

از سوی دیگر پیامدهای بی‌اعتمادی فزاینده و کناره‌گیری از زندگی مدنی، بسیار زیاد و متنوع است:

یکی از دغدغه‌های عالمان اجتماعی و فیلسوفان از زمان‌های گذشته تا به امروز، موضوع ثبات یا تغییر در جوامع بشری بوده است. ثبات هر جامعه رابطه تنگاتنگی با انسجام اجتماعی دارد و انسجام هر جامعه را می‌توان در رابطه با عوامل و مجاری تغییر درک کرد. از عوامل مهم و مؤثر در انسجام و یکپارچگی جامعه، وجود اعتماد در بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی است. زمانی که اعتماد اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلف، دچار

کاهش تعداد رأی دهندگان، افزایش بدبینی و بیگانگی، تمایل بیشتر به تقلب در نظام مالیاتی و ترجیح نفع شخصی بر مصلحت عمومی، نارضایتی از زندگی عمومی، و فرسایش اعتماد به نهادهای سیاسی. به علاوه اعتماد اجتماعی با طیف وسیعی از موضوعات و علایق اجتماعی از پرداخت مالیات، عملکرد مدارس، و رشد اقتصادی گرفته تا رضایت از زندگی، طول عمر، مشارکت اجتماعی و شرکت در انتخابات، ارتباط یافته است. در نتیجه توجه زیادی به اعتماد، گاهی به خود این مفهوم و گاهی، به‌طور عام‌تر، به عنوان بهترین شاخص نظریه تبیینی گسترده‌تر یعنی نظریه سرمایه اجتماعی، معطوف شده است. در علوم انسانی و اجتماعی - که به نحو فزاینده‌ای تخصصی گردیده است - این پدیده در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، مطالعات مدیریتی، فلسفه، نظریه سیاسی و اقتصاد مورد بررسی قرار می‌گیرد. با این همه خاستگاه‌های این پدیده همچنان رازآمیز است و نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد (Newton, 2004: 16).

در جوامع امروزی از جمله جامعه ایران که شهرنشینی وجه غالب آن است، هر فردی در زندگی روزمره، ناگزیر از تعامل با تعداد زیادی از افرادی است که آنها را نمی‌شناسد اما بنا به ضروریات زندگی، بخشی از آرامش و رفاه خود را به آنها می‌سپارد. هنگامی که سوار تاکسی می‌شویم از خود می‌پرسیم که آیا راننده، کرایه منصفانه‌ای از ما می‌گیرد؛ به بازار برای خرید می‌رویم و در مورد قیمت کالا با مغازه‌دار چانه می‌زنیم و عاقبت با تردید نسبت به قیمت واقعی کالا، به خرید

می‌پردازیم؛ به اداره مرجعه می‌کنیم و مطمئن نیستیم که فرد مسئول، کار ما را به درستی انجام می‌دهد یا خیر؛ از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنیم چون نسبت به پرداختن آن توسط سایر شهروندان مظنون هستیم و بیم آن داریم که جزو معدود کسانی نباشیم که مالیات می‌پردازیم. به پزشک مراجعه می‌کنیم، اما نسبت به قرار بعدی که با ما می‌گذارد مشکوک هستیم و تردید می‌کنیم که این به خاطر تضمین مراجعه ما و اخذ ویزیت است یا برای اطمینان از بهبودی ما. در همه این موارد ما نیاز داریم به دیگران اعتماد کنیم. به عبارت دیگر، هنگام مواجهه با موقعیت‌های مخاطره‌آمیز، ما نیازمند اعتماد هستیم. بنابراین در ذات اعتماد، مخاطره نهفته است چرا که در صورت نبودن مخاطره، دیگر باید از اطمینان سخن گفت نه از اعتماد. اما به نظر می‌رسد که اگر میزان مخاطره موجود در موقعیت، زیاد باشد، اعتماد خدشه‌دار می‌شود و انسان‌ها دچار بی‌اعتمادی می‌گردند. این وضعیتی است که امروزه ما آن را در تعاملات روزمره بیشتر لمس می‌کنیم.

کاهش اعتماد اجتماعی در ایران دهه‌های اخیر، مسأله‌ای است که بسیاری از محققان آن را بررسی و گوشزد کرده‌اند (نگاه کنید به آزاد ارمکی، ۱۳۸۳؛ آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳؛ شارح‌پور، ۱۳۸۰؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸). در این راستا، هدف پژوهش حاضر، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در شهر سبزوار است. در این پژوهش، تأکید اصلی بر اعتماد تعمیم‌یافته^۱

تحقیقی با عنوان "نقش شکاف انداز تجربیات نسلی در ایران" توسط غلامرضا کاشی و گودرزی بر مبنای تحلیل یافته‌های موج نخست پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، در سال ۱۳۸۳ انجام شد. در این پژوهش، تفاوت ارزش‌ها و نگرش‌های نسلی مورد بررسی قرار گرفت (غلامرضا کاشی و گودرزی، ۱۳۸۴: ۲۵۱). نتایج بیان‌گر آن است که در سطح روابط چهره به چهره، فاصله عمیقی میان سطح اعتماد به خانواده و اعتماد به اقوام و دوستان وجود دارد. اگرچه تحصیلات بر این سطح اعتماد اثر مثبت می‌نهد و نسل جوان بعد از جنگ نیز اعتماد بیشتری به شبکه دوستان دارد، اما در مجموع، حوزه بیرون از خانواده حوزه نسبتاً غیرقابل اعتماد و نامطمئنی است (غلامرضا کاشی و گودرزی، ۱۳۸۴: ۲۸۹).

پژوهشی با عنوان «اعتماد، اجتماع و جنسیت» توسط آزاد ارمکی و کمالی با استفاده از روش پیمایشی و با حجم نمونه ۸۲۰۶ در سطح شهرهای ۲۸ استان کشور صورت گرفته است (آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). یافته‌های این پژوهش بیان‌گر آن است که سنین بالاتر، نسل جوان، متولدین شهرهای دیگر و روستاها، اعراب و لرها، متأهلین، افراد خانوارهای پرجمعیت‌تر، افرادی که مدت بیشتری در شهرها اقامت کرده‌اند، کسانی که مدت بیشتری در مهاجرت به سر برده‌اند، شاغلان، افراد با تحصیلات تا سطح ابتدایی و پایگاه‌های اقتصادی اجتماعی پایین، به طور معناداری از اعتماد متقابل بیشتری برخوردارند. و در عین حال میانگین اعتماد متقابل با

یا اعتماد رقیق^۱ است که از لوازم جامعه مدرن محسوب می‌شود و بدون آن عملکرد نظام اجتماعی دچار اختلال می‌گردد. به علاوه، اعتماد خاص یا غلیظ^۲ که گستره آن محدود به افراد آشنا است نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که تقسیم بندی اعتماد اجتماعی به دو بعد رقیق و غلیظ، برگرفته از نظریه پاتنام می‌باشد. به نظر وی «اعتماد رقیق، مفیدتر از اعتماد غلیظ است» (Putnam, 2000, 134-5).

ادبیات تحقیق

از میان مطالعات داخلی انجام شده در رابطه با اعتماد اجتماعی به ذکر شش مورد و از میان تحقیقات خارجی به سه مورد بسنده می‌کنیم:

امیر کافی در سال ۱۳۷۴ در پژوهشی با عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» که به صورت پیمایشی و با نمونه‌ای ۲۱۰ نفری از شهروندان تهرانی (۷۰-۲۰ سال) انجام داده‌است، به بررسی اعتماد بین شخصی پرداخته‌است. وی متغیرهای تعاملات اظهاری، سرمایه اجتماعی، امنیت، تعهد به یک رابطه، تعهد درونی، مقبولیت اجتماعی و دگر خواهی را به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق، بررسی می‌کند (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۸-۲۶). نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تمام متغیرهای مستقل فوق با اعتماد اجتماعی همبستگی معنادار و مثبتی دارند (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۳۸).

1 - Thin trust

2 - Thick trust

مدت اقامت در شهر، نوع زبان، میزان تماشای تلویزیون و رفتن به سینما با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین سنت گرایی و همچنین منطقه سکونت به عنوان یکی از ابعاد پایگاه اجتماعی و نیز بین تحصیلات و میزان مطالعه افراد با اعتماد اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد (اجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴: ۹۲).

ولش و همکاران با تأکید بر وجه ارتباطی اعتماد، به بررسی ادبیات موجود در مورد نوع دوستی^۱ پرداخته‌اند. به نظر آنها نوع دوستی و اعتماد خاستگاه‌های مشابهی دارند. آنها با بررسی آثار موجود در رهیافت جامعه‌شناختی، به این نتیجه می‌رسند که در این سنت عواملی چون تعامل، تعهد اخلاقی، قابل اعتماد بودن، روابط اجتماعی، همکاری و آشنایی، موجب اعتماد و سرمایه اجتماعی‌اند (Welch et al, 2005: 453-473).

اسلینر و همکاران در پژوهشی با عنوان «نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی» در سال ۲۰۰۳ و با استفاده از داده‌های ایالتی آمریکا در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به بررسی علت مشارکت افراد در اجتماعات مدنی پرداختند. آنها چهار فرضیه اصلی را در این پژوهش آزمون نمودند: نابرابری موجب بی‌اعتمادی می‌شود؛ اثرات نابرابری بر مشارکت بیشتر به صورت غیر مستقیم و از طریق اعتماد است نه به صورت مستقیم؛ اعتماد تأثیر بیشتری بر انواع اجتماعی مشارکت مدنی دارد تا بر مشارکت سیاسی، و تأثیر اعتماد بر مشارکت مدنی بیشتر از تأثیر مشارکت مدنی بر اعتماد است. این چهار فرضیه

تفاوت‌هایی جزئی در بین مردان اندکی بالاتر از زنان است (آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

آزاد ارمکی در مقاله‌ای با عنوان "بحران اجتماعی و روشنفکران ایرانی" تلاش می‌کند تا ضمن تعریف بحران اجتماعی و تعیین حد و مرز آن از دیگر مفاهیم، به داوری روشنفکران جامعه ایرانی درباره وجود بحران اجتماعی در ایران بپردازد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۱۳۱). نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌گویان، انحراف اجتماعی، فساد اخلاقی و بی‌اعتمادی را از نشانه‌های اصلی بحران اجتماعی در ایران دانسته‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

عباس زاده در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان» در نمونه‌ای شامل ۲۴۸ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز به بررسی اعتماد اجتماعی پرداخته‌است (عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۹۱). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی، پایداری به نقش اجتماعی، همکاری، سرمایه اجتماعی و تعاملات ابزاری به ترتیب مؤثرترین عوامل تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی هستند (عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۸۳).

اجاقلو و زاهدی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان» به روش پیمایشی به بررسی اعتماد اجتماعی می‌پردازند. متغیرهای مستقل این تحقیق عبارتند از: سنت گرایی، پایگاه اجتماعی و تحصیلات. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر سنت گرایی، پایگاه اجتماعی و نیز متغیرهای پیشینه‌ای سن، جنس، وضعیت تأهل،

مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که نابرابری موجب کاهش اعتماد تعمیم‌یافته می‌شود و قوی‌ترین تعیین‌کننده آن است (Uslaner & Brown, 2003: 1,22).

اینگلهارت^۱، با استفاده از برخی تحقیقات انجام شده، اعتماد متقابل را بخشی از نشانگان فرهنگی پایداری می‌داند که به بقای دموکراسی منجر می‌گردد. از زمین‌هایی‌های به عمل آمده در مورد فرهنگ مدنی چنین استنباط می‌شود که مردم کشورهایی که دارای سنت دیرپای دموکراسی هستند، از میزان اعتماد متقابل بیش‌تری برخوردارند. به نظر وی، رضایت و اعتماد اندک موجب می‌شود که شخص، به احتمال قوی، نظام سیاسی موجود را نپذیرفته، از راست یا چپ افراطی حمایت نماید (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۳۶-۴۱).

پیشینه نظری

از نظر جامعه‌شناسان کلاسیک، اعتماد اغلب مترادف با انسجام بود. آنها هر یک به درجات متفاوت، سه وجه از نظم اجتماعی را که به وسیله مکانیسم‌های نهادی تقسیم کار اجتماعی مانند بازار قابل تبیین نیست، متذکر می‌شدند. این وجوه شامل موارد ذیر می‌شد: نخست، ساخت و شکل‌گیری اعتماد و انسجام که به‌ویژه دورکیم و تونیس بر آن تأکید می‌کردند. دوم، ابعاد مربوط به تنظیم قدرت و غلبه بر تمایلات استثمارگری موجود در آن که بیشتر توسط مارکس و ویر بر آن تأکید می‌شد و سوم، ایجاد معنا و مشروعیت‌بخشی به اعمال اجتماعی مختلف که توسط همه آنها به انحای مختلف مورد تأکید بود اما

بیش از همه وبر بدان اهمیت می‌داد. آنها بر این نکته پافشاری می‌کردند که تقسیم کار اجتماعی، موجب عدم قطعیت‌هایی در رابطه با هر یک از این ابعاد نظم اجتماعی شده است اما همزمان و به همین علت، هیچ‌گونه تقسیم کار اجتماعی بدون این ترتیبات نهادی دوام نمی‌آورد. به نظر آنها ترتیبات نهادی تداوم‌بخش این وجوه، بعد مهمی از سازمان نظم اجتماعی است. با وجود این آنها - به استثنای وبر و به ویژه در تحلیلش از کاریزما و دورکیم در تحلیل خود از مناسک - به تحلیل سیستماتیک سازمان مکانیسم‌های ساختاری که به واسطه آنها این وجوه نظم اجتماعی نهادینه می‌شود، نپرداختند (Eisenstadt & Roniger, 1984: 20-21). در این میان تحلیل زیمل از اعتماد از عمق بیشتری برخوردار است. وی در مفهوم‌سازی خود از اعتماد به وجوهی اشاره می‌کند که بعدها الهام‌گر اندیشمندان نحله‌های مختلف فکری از نظریه‌پردازان مبادله تا گافمن و گیدنز، می‌گردد. او ارزش اخلاقی بالایی را برای اعتماد در نظر می‌گیرد. بنحوی که آن را بهک واسطه مبادله اجتماعی مبدل می‌سازد (Simmel, 1950: 348).

تحلیل جایگاه اعتماد در نظم اجتماعی با ظهور مکتب کارکردگرایی در انسان‌شناسی و مکتب ساختاری-کارکردی در جامعه‌شناسی، توسعه یافت. اندیشمندان این مکتب، به‌ویژه از اواخر دهه چهل، مهم‌ترین طرح تحلیلی جامعه‌شناختی را فراهم کردند. در نظر اندیشمندان این مکتب وجوه نظم اجتماعی از جمله انسجام و اعتماد به عنوان پیش‌نیازهای تعریف شدند که هر نظام اجتماعی باید آنها را برآورده

انفعال، وابستگی و عدم عقلانیت، از ضابطه‌های ضددموکراتیک محسوب می‌شود- (Alexander, 2001:191) (5) چلبی (۱۳۷۰) نیز تلاش می‌کند تا اعتماد را در چارچوب مفهوم وفاق اجتماعی صورتبندی کند.

از اندیشمندان رهیافت مبادله می‌توان به پیتر بلاو اشاره کرد. وی با تمایز قائل شدن بین مبادله اقتصادی و مبادله اجتماعی، اعتماد را تنها حاصل مبادله اجتماعی می‌داند. به نظر او تفاوت اصلی دو نوع مبادله فوق این است که اولی مبتنی بر یک قرارداد رسمی است که مقادیر دقیقی را که باید رد و بدل شود، تصریح می‌کند (Blau, 2002: 107). اما در مبادله اجتماعی، شخص به دیگری لطفی می‌کند و توقع بازگشت آن را در آینده دارد، اما ماهیت دقیق آن از اول تصریح نمی‌شود. از این رو تعهدات موجود در مبادله اجتماعی، واضح و آشکار نیست و به همین علت فرد برای سرمایه‌گذاری در مبادله اجتماعی، نیازمند اعتماد است (Blau, 2002: 108).

به طور کلی به موجب یکی از طبقه‌بندی‌ها و بر اساس حوزه مورد تأکید، می‌توان نظریه‌های اعتماد را به دو دسته تقسیم کرد: رهیافت جامعه‌محور و رهیافت نهاد محور (Rothstein & Stolle, 2008:4). نظریه پردازان اخیر سرمایه اجتماعی مانند اوسلینر، فوکویاما^۳، بنفیلد^۴ و پاتنام^۵ که بیشتر از سنت نظریه اجتماعی آلکسی دو توکویل^۶ و جان استوارت میل^۷ الهام می‌گیرند، استدلال می‌کنند که خاستگاه‌های اعتماد در شبکه

سازد (Eisenstadt & Roniger, 1984: 21-2). آیزنشتاد و رونیگر اعتماد را در حیطه گروه‌های اولیه به ویژه خانواده مطرح می‌کنند و تفکیک‌یافتگی را مهم‌ترین چالش فراروی آن می‌دانند (Eisenstadt & Roniger, 1984: 30). در این میان پارسونز اعتماد را در چارچوب اجتماع جامعه‌ای و براساس تشابه ارزشی-هنجاری، ممکن می‌داند. در نظریه پارسونز، اعتماد، نگرش یا احساسی است مبتنی بر آشنایی و فرهنگ مشترک که باید فراگرفته شود و بنابراین جزئی از فرآیند جامعه پذیری است. جامعه پذیری نیز از طریق دو نهاد اصلی خانواده و مدرسه صورت می‌گیرد و خانواده خرده نظامی از جامعه است که بواسطه آن موجودات انسانی ماهیت واقعی اعتماد را فرا می‌گیرند (Jalava, 2003: 177-8).

لومان^۱، مفهوم اعتماد را از اطمینان متمایز می‌سازد. مفهوم اطمینان در نظر او شبیه مفهوم اعتماد در نظر پارسونز است اما اعتماد از نظر لومان یک واسطه ارتباطی عام جهت کاهش پیچیدگی و عدم قطعیت در نظام اجتماعی است (Jalava, 2003: 184-5). به نظر او جایی که کنترل به پایان می‌رسد، اعتماد آغاز می‌شود. به عبارتی اگر اعتماد وجود داشته باشد دیگر مجبور نیستیم نگران دانش کنترل ارتباط باشیم (Jalava, 2003: 188). الکساندر اعتماد را یکی از ضابطه‌های دموکراتیک گفت‌مان دوسویه جامعه مدنی می‌داند. به نظر او اعتماد در کنار عمل‌گرایی، عقلانیت، واقع‌گرایی، استقلال و... از جمله ضابطه‌های دموکراتیک گفت‌مان جامعه مدنی است و بی‌اعتمادی،

3 - Fukuyama

4 - Banfield

5 - Putnam

6 - Tocqueville

7 - Mill

1 - Luhman

2 - Code

می‌شود. کنش‌های متقابل شخصی، اطلاعاتی در مورد قابل اعتماد بودن دیگران فراهم می‌کند که نسبتاً بی‌هزینه است. روابط اجتماعی مداوم، می‌تواند انگیزه‌هایی برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند و این همان قاعده همگانی تئوری بازی‌ها است (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۵).

پاتنام بین شبکه‌های افقی یا مساوات طلب و شبکه‌های عمودی یا انحصار طلب، تمایز قایل می‌شود. به نظر او از آن جا که جریان عمودی اطلاعات اغلب غیر موثق‌تر از جریان افقی آن است (چرا که اطلاعات درست، مانع استثمار و بهره‌کشی می‌شود) شبکه‌های عمودی که بر سلسله مراتب، مبتنی است (همچون ساخت کلیسای کاتولیک در تاریخ ایتالیا)، نمی‌تواند موجب اعتماد و هنجارهای همیاری باشد. از نظر او شبکه‌های افقی (انجمن‌ها، باشگاه‌ها، تعاونی‌ها و احزاب...)، مولد هنجارهای اعتماد و همیاری هستند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۸-۲۹۶).

پاتنام در تبیین کاهش سرمایه اجتماعی در امریکا به عوامل زیر اشاره می‌کند: پیدایش خانواده‌های دارای دو شغل، حومه‌نشینی، تلویزیون و واسطه‌های الکترونیکی و تغییرات نسلی (Putnam, 1999: 150-1). وی تغییرات نسلی را مهم‌ترین عامل می‌داند و در این رابطه جنگ را به عنوان عامل مؤثر مهمی در مشارکت مدنی تلقی می‌کند. تأثیر عواملی همچون تلویزیون، حومه‌نشینی و خانواده‌های دارای دو شغل به خاطر آن است که ارتباطات اجتماعی را کاهش می‌دهد (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۹-۱۵۸). تلویزیون سرگرمی جدیدی است که افراد را از تعامل رو در رو باز می‌دارد، وقت زیادی از

انجمن‌ها و سازمان‌های واسطی است که جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند. این نظریه‌ها در رهیافت جامعه‌محور قرار می‌گیرند. از میان نظریه‌پردازان این رهیافت، نظریه پاتنام مورد توجه پژوهش حاضر است.

نظریه پاتنام، به نظر پاتنام اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن پیچیده، از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲-۲۹۱). هنجارهای موجب اعتماد به این دلیل توسعه می‌یابند که هزینه معاملات را پایین می‌آورند و همکاری را تسهیل می‌کنند. مهم‌ترین هنجارهای تقویت‌کننده اعتماد، معامله متقابل است که بر دو نوع می‌باشد: معامله متقابل متوازن که اشاره به مبادله همزمان چیزهای با ارزش برابر دارد مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیل خود را با هم عوض می‌کنند. معامله متقابل عمومی به رابطه تبادلی مداومی اشاره دارد که در همه حال یک‌طرفه و نامتوازن است اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند مبنی بر این‌که سودی که اکنون اعطا شده، باید در آینده پرداخت گردد. مانند رابطه دوستی. هنجارهای معامله متقابل عمومی یکی از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی است و هسته مرکزی انجمن‌های خودیاری ایتالیا بود که مشکل امنیت را برای شهروندان حل نموده بودند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۴-۲۹۳). به نظر پاتنام یک هنجار مؤثر مبتنی بر معامله متقابل عمومی، شاید با شبکه‌های انبوهی از مبادلات اجتماعی مرتبط است. در جوامعی که مردم مطمئن هستند که اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد بیشتر به مبادله و معامله می‌پردازند و این مبادلات خود به توسعه هنجار متقابل عمومی منتهی

آنها می‌گیرد و موجب خصوصی شدن اوقات فراغت می‌گردد (Welch et al, 2005: 458).

به نظر پاتنام در تقریباً همه جوامع، « ندارها »^۱ کمتر از « دارها »^۲ اعتماد می‌کنند. شاید به این خاطر که دیگران با افراد دارای منابع، با صداقت و احترام بیشتری رفتار می‌کنند. بی‌اعتمادی در بین « بازندگان »^۳ یعنی افراد دارای تحصیلات، درآمد و منزلت پایین و نیز اعضای گروه‌های اقلیت و کسانی که از زندگی خود ابراز نارضایتی می‌کنند، رایج‌تر است. همچنین بی‌اعتمادی در بین قربانی‌های جرم و خشونت و افراد مطلقه بیشتر دیده می‌شود. از این دیدگاه، اعتماد اجتماعی حاصل تجربه‌های زندگی بزرگسالی است و کسانی که زندگی موفقیت آمیزی دارند نسبت به کسانی که از فقر، بیکاری، تبعیض، استثمار و محرومیت اجتماعی رنج می‌برند، دارای اعتماد بیشتری هستند. پاتنام نیز همچون اینگلهارت بر پیوند نزدیک اعتماد اجتماعی، شادی و بهروزی تأکید می‌کند (Newton, 2004: 19).

در رهیافت دوم نهادهای موجود در جامعه به عنوان عاملی مهم در ایجاد یا تخریب اعتماد مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرند. از اندیشمندان این رهیافت می‌توان به اوفه^۴، لوی^۵، رزستین^۶ و استول^۷، تارو^۸، برمن^۹ و هال^{۱۰} اشاره کرد. آنها معتقدند سرمایه اجتماعی باید در ارتباط

با نهادهای رسمی و قانونی بررسی شود و مستقل از آنها بوجود نمی‌آید. به نظر آنها قابلیت شهروندان برای توسعه اعتماد اجتماعی به شدت تحت تأثیر نهادهای دولتی و سیاست‌های آنها است. این رهیافت به طور ضمنی بیان می‌دارد که برای ایجاد سرمایه اجتماعی نوعی مهندسی نهادی ضرورت دارد. از میان اندیشمندان این رهیافت، تأکید پژوهش حاضر بر نظریه رزستین و استول می‌باشد. نظریه رزستین و استول. از نظر رزستین و استول وجود اعتماد تعمیم‌یافته نشان‌گر آمادگی بالقوه شهروندان جهت همکاری و مشارکت با هم و انجام فعالیت‌های مدنی است. نگرش‌های مربوط به اعتماد تعمیم‌یافته فراتر از مرزهای تعامل رودررو رفته و افرادی را که باهم آشنا نیستند، یکپارچه می‌سازند. همچنین این نگرشها فراتر از محدوده‌های خویشاوندی، دوستی و آشنایی گسترش می‌یابند (Rothstein & Stolle, 2008: 2).

به گفته آنها این نظریه بر این اندیشه لوی استوار است که برداشتهای افراد از نهادهای سیاسی کارآمد، عادل و منصف، بر اعتماد تعمیم‌یافته افراد مؤثر است. نهادهای دولتی منشأ ایجاد اعتماد هستند، فقط در صورتی که شهروندان آنها را قابل اعتماد بدانند. آنها با اشاره به نظر لوی، تأکید می‌کنند که دولت باید قراردادهایی منعقد سازد که در آن بر فراهم آوردن اطلاعات، نظارت قوانین و اجرا و اعمال حقوق و قوانین مربوط به مجازات قانون شکنان تأکید شود. بنابراین وظیفه نهادهای قانون و نظم، شناخت و مجازات افراد خاین است که دست به دزدی، جنایت و سایر اعمال غیر همکارانه زده و بنابراین اعتماد را خدشه‌دار می‌کنند. اگر شهروندان بدانند که این نهادها به‌طور منصفانه و کارآمد

-
- 1 - Havenots
 - 2 - Haves
 - 3 - Losers
 - 4 - Offe
 - 5 - Levi
 - 6 - Rothstein
 - 7 - Stolle
 - 8 - Tarrow
 - 9 - Berman
 - 10 - Hall

در شهروندان به هنگام تماس مستقیم با آنها شوند. به عنوان مثال نهادهای فاسد و ناعادل، موجب تجربه تبعیض و بی‌عدالتی می‌شوند که این به نوبه خود تأثیر منفی بر اعتماد تعمیم یافته می‌گذارد (Rothstein & Stolle, 2008: 18).

چارچوب نظری پژوهش حاضر

با توجه به آن چه گفته شد در تحقیق حاضر از نظریه پاتنام، در موارد زیر استفاده شده است: پاتنام در تبیین کاهش اعتماد در امریکا مهم‌ترین عامل آن را جایگزینی نسل‌ها می‌داند (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۹). با این توضیح، مفهوم نسل به عنوان یک متغیر مستقل در مدل ما وارد می‌شود. لازم به ذکر است که این مفهوم بر اساس متغیر سن مشخص می‌شود. پاتنام در انتزاعی‌ترین سطح، میزان تعامل و ارتباط افراد را عامل به وجود آورنده اعتماد می‌داند. به همین خاطر است که او شرکت در انجمن‌های مدنی را که موجب تعامل بیشتر افراد می‌شود، موجد اعتماد می‌داند. به علاوه وی در تبیین کاهش اعتماد، عامل رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون را دارای اهمیت نسبتاً زیادی می‌داند چرا که تلویزیون افراد را به درون خانه‌های خود و به دور از تعاملات اجتماعی می‌برد (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۹-۱۵۸). همچنین پاتنام معتقد است که افراد برخوردار از منابع نسبت به افراد فاقد منابع، از اعتماد بیشتری برخوردارند. به نظر وی مردم در تقریباً همه جوامع، به «ندارها» کمتر از «ثروتمندان» اعتماد می‌کنند. بنابراین از نظریه پاتنام مفاهیم میزان تعامل و ارتباط، و میزان برخورداری از منابع، وارد مدل مفهومی می‌شوند. میزان برخورداری از

عمل می‌کنند، می‌توانند باور کنند که شانس فرار افراد خاین و غیرقابل اعتماد از چنگال قانون کم است. در نتیجه شهروندان به این نتیجه می‌رسند که "مردم دلیل خوبی برای اجتناب از این گونه رفتارها دارند و بنابراین بیشتر مردم قابل اعتماد هستند". از نظر رزستین و استول آنچه برای اعتماد تعمیم‌یافته مهم است، کارآمدی و عدالت این نهادها می‌باشد. در مجموع اگر شهروندان به کارآمدی و عدالت نهادها به ویژه نظام قضایی و پلیس اعتقاد داشته باشند، راحت‌تر به دیگران اعتماد می‌کنند. به علاوه ارزیابی شهروندان از عملکرد نهادهای دولتی که با آنها تعامل دارند، نیز بر اعتماد آنها تأثیرگذار است. به طور خلاصه فقدان اعتماد به نهادها، وجود فساد و رشوه خواری، و احساس ناامنی در رابطه با دیگران بر اعتماد تعمیم‌یافته افراد تأثیر می‌گذارد (Rothstein & Stolle, 2008: 16-17). آنها چهار مکانیسم علی تبیین ویژگی‌های نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته را به صورت زیر مشخص می‌کنند: الف) عدالت و کارآمدی نهادی بر برداشت فرد از امنیت خود تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر ترس از دیگران موجب بی‌اعتمادی به آنها می‌شود. ب) عدالت و کارآمدی نهادها، تعیین کننده برداشت فرد نسبت به حفظان منافع عمومی است. اگر نهادها مورد اعتماد نباشند، مردم نیز مورد اعتماد فرد نخواهند بود. ج) عدالت و کارآمدی نهادها، نگرش نسبت به رفتار شهروندان را شکل می‌دهد. اگر فرد شاهد رشوه خواری در بین شهروندان باشد خودش نیز برای برآوردن نیازهایش ممکن است دست به چنین کاری بزند. از این طریق اعتماد او به دیگران و نظام کاهش می‌یابد. د) نهادها ممکن است موجب تجربه تبعیض و بی‌عدالتی

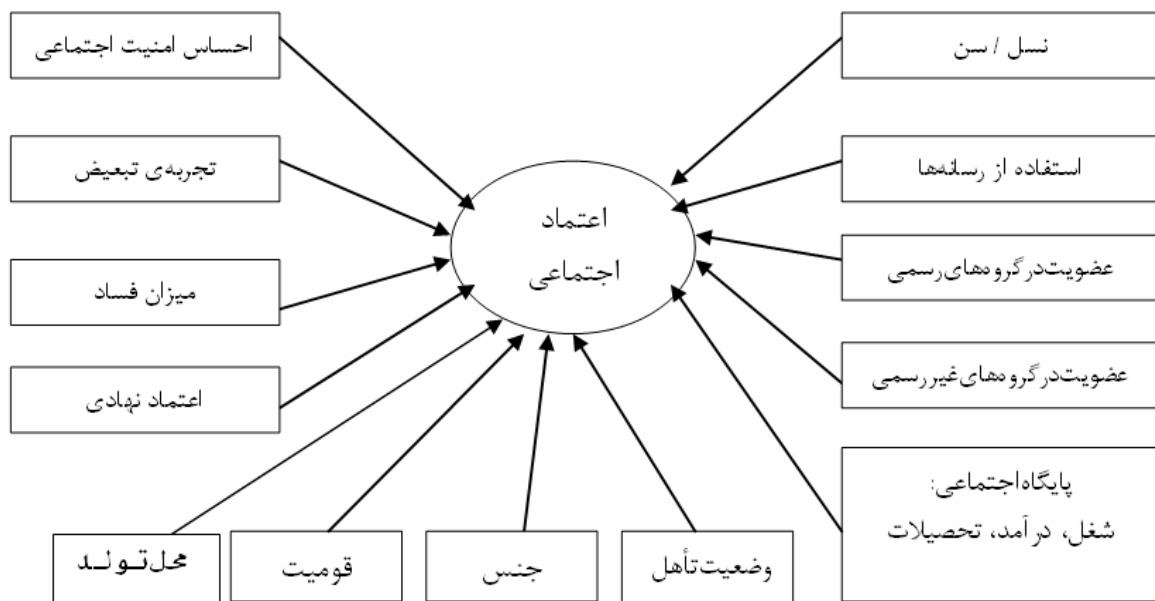
در طول زندگی، میزان اعتماد شهروندان به نهادها، و نگرش شهروندان در مورد میزان وجود فساد در بین سایر شهروندان در رابطه با نهادها، این چهار متغیر نیز در مدل تجربی وارد شده و رابطه آنها با اعتماد اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای سنجش این متغیرها از تعدادی گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

مدل تجربی تحقیق به صورت زیر است که در آن متغیرهای استخراج شده از نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام (نسل، میزان استفاده از رسانه‌ها، عضویت در گروه‌های رسمی، عضویت در گروه‌های غیررسمی، و اجزای پایگاه اجتماعی)، در سمت راست، و متغیرهای مربوط به نظریه رزستین و استول (احساس امنیت اجتماعی، تجربه تبعیض، میزان فساد و اعتماد نهادی) در سمت چپ قرار گرفته‌اند. علاوه بر این متغیرها، رابطه سه متغیر قومیت، جنسیت و وضعیت اشتغال نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

منابع را می‌توان با اندکی مسامحه از طریق شاخص‌های پایگاه اجتماعی-اقتصادی سنجید. در مدل تجربی تحقیق، میزان ارتباطات و تعاملات فرد با متغیرهای میزان استفاده از رسانه‌ها، میزان عضویت در گروه‌های رسمی و میزان عضویت در گروه‌های غیر رسمی، عملیاتی می‌گردد. پایگاه اجتماعی-اقتصادی نیز با متغیرهای درآمد، شغل و تحصیلات، عملیاتی می‌گردد. لازم به ذکر است با توجه به این که حومه‌نشینان شهر مورد مطالعه جمعیت زیادی را به خود اختصاص نمی‌دهند و نیز با در نظر گرفتن نرخ اشتغال در جامعه ایران به طور عام، متغیرهای حومه‌نشینی و دو شغل بودن افراد، در مدل تحقیق، گنجانده نشد.

با توجه به نظریه رزستین و استول، می‌توان گفت که نهادها از طریق چهار متغیر بر اعتماد اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این متغیرها عبارتند از: احساس امنیت اجتماعی فرد در رابطه با سایر شهروندان در جامعه، تجربه تبعیض واقعی توسط شهروندان در رابطه با نهادها

نمودار شماره ۱- مدل تجربی تحقیق



روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کمی است و تکنیک مورد نظر پیمایش می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده می‌گردد. اعتبار پرسشنامه، اعتبار صوری است که با مشورت اساتید و متخصصان جامعه‌شناسی به عنوان داور تأمین شده است. به علاوه با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی، گویه‌هایی که بر عاملی غیر از عوامل مورد نظر بار شدند، و یا ضریب همبستگی آنها با عامل، کمتر از $0/3$ بود حذف گردیدند. برای دستیابی به پایایی مورد قبول، با انجام پیش‌آزمون با نمونه‌ای ۵۰ نفره و با استفاده از آماره آلفای کرونباخ، همسازی گویه‌ها و سازگاری درونی پرسشنامه تأمین شد.

ضرایب آلفای کرونباخ برای گویه‌های مربوط به طیف‌های پرسشنامه در جدول شماره ۱، آمده است که مقدار آن برای همه متغیرها قابل قبول است.

جدول شماره ۱- ضرایب روایی طیف‌ها

متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی
اعتماد غلیظ	۴	۰/۷۳
اعتماد رقیق	۲۷	۰/۸۵
احساس امنیت	۴	۰/۷۲
تجربه تبعیض	۳	۰/۷۱
میزان فساد	۸	۰/۷۷
اعتماد نهادی	۲۱	۰/۹۴

جامعه آماری این تحقیق، عبارت است از تمام ساکنان شهر سبزوار که در محدوده سنی ۱۸ تا ۶۵ سال قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که بر اساس سرشماری

عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ جمعیت شهر سبزوار ۲۱۴۵۸۲ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲: ۱۰۱). از آنجا که طبق برآوردهای مرکز آمار ایران (۱۳۸۶: ۲۲) درصد جمعیت ۱۸ تا ۶۵ سال در استان خراسان رضوی ۶۹/۵۹ درصد می‌باشد، با اعمال این درصد در جمعیت شهر، جامعه آماری برای شهر سبزوار ۱۴۹۳۲۷ نفر است. شیوه نمونه‌گیری، طبقه‌بندی چند مرحله‌ای است. شهر سبزوار بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، به ۲ منطقه تقسیم شده است. از میان هر دو منطقه تعداد ۱۵ حوزه به طور تصادفی انتخاب شد. آنگاه با انتخاب بلوک‌های هر حوزه و خانوارهای هر بلوک، یکی از افراد خانوار که در فاصله سنی مورد نظر بود، به صورت تصادفی جهت مصاحبه انتخاب گردید.

حجم نمونه نیز با استفاده از جدول لین (Lin, 1976: 446) در سطح ۹۵ درصد اطمینان و با پذیرش ۴ درصد خطا و با احتساب واریانس صفت در جامعه به میزان ۵۰-۵۰ درصد، ۵۹۷ مورد تعیین شد که در نهایت تعداد ۶۰۰ پرسشنامه تکمیل گردید. واحد تحقیق در این پژوهش، فرد می‌باشد. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات کدگذاری و با استفاده از نرم افزار SPSS، مورد تحلیل قرار گرفت.

داده‌های این پژوهش در زمستان سال ۱۳۸۶ جمع‌آوری شد.

تعریف مفاهیم

اعتماد اجتماعی: عبارت است از نگرش مثبت فرد نسبت به سایر اعضای جامعه. ویژگی اصلی این نگرش آن است که متضمن مخاطره می‌باشد و در شرایط عدم

از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. وی این سه نسل را بر اساس گروه‌های سنی زیر مشخص می‌کند:

گروه سنی ۱۵-۲۹ سال یا نسل سوم، گروه سنی ۳۰-۵۴ سال یا نسل انقلاب و جنگ و گروه سنی ۵۵ سال و بیشتر یا نسل قبل از انقلاب. وی با اندکی تسامح این نسل‌ها را نسل‌های جوان، میان‌سال و کهن‌سال جامعه می‌داند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۹۲). همین طبقه‌بندی در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این تفاوت که به جای گروه سنی ۱۵-۲۹ سال از گروه سنی ۱۸-۲۹ سال استفاده می‌کنیم. چرا که افراد تا قبل از ۱۸ سالگی، عرصه اجتماعی و نهادی را چندان به طور مستقل از خانواده، تجربه نمی‌کنند.

افراد زیر ۱۸ سال ارتباط زیادی با نهادها ندارند و سخن گفتن از اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته برای آنها، که بیشتر ارتباطات‌شان در حیطه دوستی‌های مدرسه است، چندان مناسب به نظر نمی‌رسد.

رسانه‌ها: «رسانه‌های همگانی... عبارت‌اند از تمام ابزارهای غیرشخصی ارتباط که بدان وسیله، پیام‌های بصری و یا سمعی، مستقیماً به مخاطبان انتقال می‌یابند. تلویزیون، رادیو، سینما، روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها و تابلوهای آگهی در زمره رسانه‌های همگانی محسوب می‌شوند» (گولد و کولب، ۱۳۸۲: ۴۳۶). برای عملیاتی کردن این مفهوم در این تحقیق، مدت زمان استفاده از رسانه‌های زیر در طول یک هفته در نظر گرفته شده است. میزان استفاده از: تلویزیون، رادیو، اینترنت، ماهواره، روزنامه، کتاب و مجله فارسی، متون لاتین.

قطعیت حاصل از فقدان آگاهی و شناخت کامل طرف مقابل، رخ می‌دهد. برای سنجش اعتماد اجتماعی، آن را در دو حیطه اعتماد غلیظ^۱ یا خاص و اعتماد رقیق^۲ یا تعمیم‌یافته می‌سنجیم. اعتماد غلیظ همان اعتماد نهفته در روابط قوی و مکرر افراد با کسانی است که می‌شناسند. اعتماد رقیق، اعتماد به دیگری تعمیم‌یافته^۳ است که فرد او را نمی‌شناسد (Putnam, 2000: 135).

در حیطه اعتماد غلیظ، اعتماد به اعضای خانواده، خویشان، دوستان و همسایگان سنجیده می‌شود. برای سنجش اعتماد رقیق، هم از تعدادی گویه در قالب طیف لیکرت استفاده می‌گردد.

نسل: تعدادی از افراد که در دوره زمانی مشابه در چارچوب مکانی و فرهنگی مشترک زیسته‌اند و تحت تأثیر وقایع مشترک مهم در سطح کلان قرار گرفته‌اند. «چیت‌ساز قمی» با مبنا قرار دادن انقلاب اسلامی، سه نسل را از هم تفکیک می‌کند: نخست، نسلی که فرآیند جامعه‌پذیری آنها به سال‌های دهه‌های سی و چهل باز می‌گردد و تجارب مشترکی چون کودتای ۲۸ مرداد، دولت ملی مصدق، قیام پانزده خرداد و... را پشت سر گذاشته‌اند.

دوم، نسلی که فرآیند جامعه‌پذیری آنها به دهه پنجاه باز می‌گردد و تجربه انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از مهم‌ترین تجارب تاریخی این نسل محسوب می‌شود. سوم، نسلی که فرآیند جامعه‌پذیری آنها به سال‌های بعد

-
- 1- Thick trust
 - 2- Thin trust
 - 3- Generalized other

عضویت در گروه‌های رسمی و غیررسمی: روابط بین افراد دو گونه است:

روابط رسمی و روابط غیر رسمی. روابط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد: رابطه دوستی، مبادله منابع، قرابت مکانی (همسایه‌ها و هم‌اداره‌ای‌ها)، خویشاوندی. اما در بنیادی‌ترین سطح، اعتقاد بر آن است که دوستی‌های غیر رسمی، از طریق افزایش ارتباطات، اطلاعات و حمایت اجتماعی، می‌تواند موجب سرمایه اجتماعی باشد.

افراد می‌توانند از طریق عضویت رسمی در انجمن‌های داوطلبانه به هم مرتبط شوند. انجمن‌های داوطلبانه برای این که در طول زمان باقی بمانند نیاز به عضوگیری دارند. همین ویژگی موجب تمایز انجمن‌های داوطلبانه رسمی از انجمن‌های داوطلبانه غیررسمی می‌شود. به خاطر همین ویژگی است که انجمن‌های داوطلبانه رسمی، و رای عضویت افراد خاص بقا می‌یابند. به علاوه در شبکه‌های رسمی، افراد افزون بر منافع حاصل از پیوندهای خود با سایر اعضا، از منافع دیگری که در سطح گروه است نیز بهره‌مند می‌شوند (Paxton, 1999: 100-1).

در این تحقیق، منظور از گروه‌های رسمی، گروه‌ها و انجمن‌های هنری و ادبی، اولیاء و مربیان، صنفی و حرفه‌ای، احزاب و گروه‌های سیاسی، انجمن‌های خیریه و مذهبی، علمی، ورزشی، اسلامی، بسیج، تعاونی‌ها، و سازمان‌های غیر دولتی می‌باشد. برای سنجش آن از پاسخگویان پرسیده شد که در کدام یک از گروه‌های فوق عضویت دارند. از ترکیب مجموع عضویت‌ها، نمره آنها محاسبه شد. برای سنجش میزان عضویت در گروه‌های غیر رسمی، مدت زمانی را که پاسخ‌گو به

تعامل و گفتگو با اعضای خانواده، همسایگان و دوستان در یک هفته می‌پردازد، سنجیده شد.

فساد: رفتاری است که از وظایف رسمی یک نقش اجتماعی به خاطر ملاحظات شخصی، دست‌آوردهای مادی یا منزلتی، منحرف می‌شود و یا به خاطر اعمال انواع خاصی از نفوذ در جهت منافع شخصی، از قانون تخلف می‌کند (Smelser and Baltes, 2001: 2124). در این پژوهش، نگرش افراد در مورد میزان فساد موجود در بین سایر شهروندان در رابطه با نهادها، مد نظر است. به منظور سنجش این متغیر از تعدادی گویه برای معرف‌های آن یعنی رشوه و پارتی‌بازی استفاده شده است.

تجربه تبعیض: تبعیض به دو صورت تحقق می‌پذیرد: نخست تبعیضی است که بر اساس قوانین موضوعه اعمال می‌شود. به این معنا که گروهی با تکیه بر قوانین موجود، از امتیازاتی ویژه برخوردار می‌شوند. نمونه خاص این نوع تبعیض در جامعه مبتنی بر آپارتاید صورت می‌گیرد. دوم، تبعیض اجتماعی است که نه بر اساس قوانین بلکه در عمل صورت می‌گیرد. به این معنا که به ظاهر همه در برابر قانون، یکسان هستند اما اساس زندگی مردم چنان است که گروه‌های محروم در حاشیه جامعه متولد می‌شوند، زندگی می‌کنند و حیات خود را به پایان می‌برند. هر چند همه طبق قانون حق دارند از همه فرصت‌ها برخوردار گردند اما در عمل، امکانات فقط برای تعدادی حاصل می‌گردد نه برای همه. تبعیض نوع اول رسمی است و تبعیض نوع دوم غیر رسمی و عملی است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۰۱).

در این تحقیق، تبعیض عملی و غیر رسمی مد نظر است. به این معنا که آیا فرد در طول زندگی خود در مواجهه با اموری که به نهادهای اجتماعی مربوط است،

ماه‌یانه خودش و همسرش، و برای پاسخ‌گوی مجرد غیر مستقل، میانگین درآمد پدر و مادرش، محاسبه شده است. منظور از متغیر تحصیلات، تعداد سال‌هایی است که فرد به طور رسمی تحصیل کرده است. برای متغیر شغل نیز، با استفاده از رتبه‌بندی مشاغل، این متغیر در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است. جزئیات محاسبه آن برای افراد مختلف، مانند متغیر درآمد است.

یافته‌ها

در نمونه مورد مطالعه، ۴۹ درصد مرد و ۵۱ درصد زن هستند. از نظر وضعیت تأهل، ۲۹/۳ درصد مجرد، ۶۹/۳ درصد متأهل و ۱/۳ درصد بیوه‌اند. افراد شاغل ۴۶ درصد و افراد غیر شاغل ۵۴ درصد نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. ۹۶ درصد قومیت خود را فارس و مابقی غیر فارس اظهار کرده‌اند. ۷۴ درصد در شهر و ۲۶ درصد در روستا متولد شده‌اند. میانگین سنی نمونه ۳۲ سال می‌باشد. از نظر تحصیلات ۱۱/۵ درصد واجد تحصیلات ابتدایی، ۴۶ درصد راهنمایی و متوسطه، ۳۵/۷ درصد کارشناسی و ۲/۲ درصد بالاتر از کارشناسی بوده‌اند. توزیع پراکندگی متغیر وابسته پژوهش، توزیعی نرمال است که ویژگی‌های آن در جدول زیر آمده است.

مشمول بی‌انصافی، بی‌عدالتی و تبعیض واقع شده است. برای سنجش این متغیر از تعدادی پرسش استفاده شده است.

اعتماد نهادی: منظور میزان اعتماد فرد به نهادها به ویژه نهادهای دولتی است. نهادهای مورد نظر در این پژوهش عبارتند از: اداره آب، برق، مخابرات، پست، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، بانک‌ها، دادگاه‌ها، نیروی انتظامی، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، تلویزیون و رادیو، استانداری و فرمانداری، شورای شهر، شهرداری، دولت، شورای نگهبان، پلیس راهنمایی، کلاتری‌ها.

احساس امنیت اجتماعی: نبود نگرانی خاص در مواجهه با امور اجتماعی و نوعی احساس بهروزی عمومی است. در این تحقیق، منظور احساس امنیت در ابعاد جانی، اقتصادی و اجتماعی (آبرو و حیثیت) در جامعه است که برای سنجش آن از تعدادی گویه در پرسشنامه استفاده شده است.

لازم به ذکر است منظور از درآمد، میزان درآمد ماهیانه است که برای پاسخ‌گوی بدون همسر (فرد ازدواج نکرده، بیوه، یا کسی که متارکه کرده است) و مستقل، درآمد خود فرد، برای پاسخ‌گوی متأهل، میانگین درآمد

جدول شماره ۲- توزیع پراکندگی متغیر اعتماد اجتماعی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی	حداقل مشاهده شده	حداکثر مشاهده شده
اعتماد رقیق	۶۰۰	۶۸/۸	۱۱/۹۹	-۰/۲	۰/۸۳	۲۷	۱۰۶
اعتماد غلیظ	۵۹۴	۱۳/۳۱	۲/۶۷	-۰/۳۳	۰/۵۱	۴	۲۰

آزمون تک متغیره فرضیه‌ها

جهت آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و

بنابراین آزمون تک‌متغیره نشان می‌دهد که از بین متغیرهای هفت‌گانه استخراج شده از نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، تنها متغیر سن، رابطه معناداری با متغیر وابسته اعتماد رقیق دارد. اما متغیرهای مربوط به نظریه نهادی رزستین‌واستول، همگی رابطه معناداری با اعتماد رقیق دارند.

به علاوه ضرایب همبستگی آنها نیز نسبت به متغیر سن، به میزان قابل توجهی بالاتر است. لازم به ذکر است از میان پژوهش‌های پیشین، پژوهش اجاقلو و زاهدی (۱۳۸۴:۱۱۶) نیز نشان می‌دهد بین متغیرهای درآمد و شغل با اعتماد، رابطه‌ای وجود ندارد. به در پژوهش عباس‌زاده (۱۳۸۳) نیز بین متغیر امنیت اجتماعی و اعتماد رابطه معناداری وجود دارد که با یافته این تحقیق مطابقت دارد.

اعتماد رقیق، در جدول شماره ۳ آمده است. چنان که در جدول می‌بینیم رابطه متغیرهای میزان تجربه تبعیض، احساس امنیت، اعتماد نهادی، میزان فساد و سن با اعتماد رقیق، در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. اما رابطه بین متغیرهای مستقل عضویت در گروه‌های رسمی، میزان استفاده از رسانه‌ها، میزان تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی با اعتماد رقیق، معنادار نیست. از بین متغیرهایی که رابطه معناداری با متغیر وابسته دارند، متغیرهای تجربه تبعیض و فساد با متغیر وابسته، رابطه معکوس دارند بدین معنا که هرچه فرد در رابطه با نهادها، تبعیض بیشتری را تجربه کرده باشد و یا بیشتر قایل به وجود فساد در بین شهروندان در رابطه با نهادها باشد، اعتماد رقیق او پایین‌تر است. از آن جا ضریب همبستگی باقی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، مثبت است، می‌توان گفت که با افزایش احساس امنیت، اعتماد نهادی و سن افراد، اعتماد رقیق آنها نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۳- آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و اعتماد رقیق

متغیر	r	Std.Error	sig
تجربه تبعیض	-۰/۴۱۹	۰/۲۱۱	۰/۰۰۰
احساس امنیت	۰/۴۶۵	۰/۱۵۲	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۶۲۶	۰/۰۳	۰/۰۰۰
فساد	-۰/۵۳۷	۰/۰۹۴	۰/۰۰۰
عضویت در گروه‌های رسمی	۰/۰۷۷	۰/۳۴۷	۰/۰۹۴
استفاده از رسانه‌ها	۰/۰۳۶	۰/۰۲۵	۰/۴۳۵
عضویت در گروه‌های غیررسمی	۰/۰۱۳	۰/۰۲۱	۰/۷۸۲
سن	۰/۱۲۱	۰/۰۴۷	۰/۰۰۸
تحصیلات	-۰/۰۷۱	۰/۱۳۵	۰/۱۲۳
درآمد	-۰/۰۱۵	۰/۰۸۰	۰/۷۴۹
منزلت شغلی	-۰/۰۲۵	۰/۰۲۹	۰/۵۸۷

این که مقدار ضریب همبستگی (r) در متغیرهای حاصل از نظریه نهادی (چهار متغیر اول جدول)، به طور قابل توجهی از مقدار ۲ در متغیرهای استخراج شده از نظریه سرمایه اجتماعی، بالاتر است. می‌توان گفت که شرایط حاصل از عملکرد نهادها، زمینه ساختاری را در جامعه به وجود می‌آورد که حتی اعتماد به افراد آشنا (اعتماد غلیظ) را به شدت تحت الشعاع قرار داده و بر آن تأثیر می‌گذارد.

در جدول شماره ۴، نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و اعتماد غلیظ نشان داده شده است: رابطه متغیرهای مستقل تجربه تبعیض، احساس امنیت، اعتماد نهادی، فساد، عضویت در گروه‌های رسمی، سن، تحصیلات و منزلت شغلی، با متغیر اعتماد غلیظ معنادار است و تنها رابطه متغیر درآمد و استفاده از رسانه‌ها با اعتماد غلیظ، معنادار نیست. دو متغیر تجربه تبعیض و میزان فساد با اعتماد غلیظ، رابطه منفی و باقی متغیرها، رابطه مثبت دارند. به نظر می‌رسد با توجه به

جدول شماره ۴- آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و اعتماد غلیظ

متغیر	r	Std. Error	sig
تجربه تبعیض	-۰/۱۱۳	۰/۰۴۷	۰/۰۱۲
احساس امنیت	۰/۲۵۰	۰/۰۳۳	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۱۹۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰
فساد	-۰/۱۰۲	۰/۰۲۲	۰/۰۱۵
عضویت در گروه‌های رسمی	۰/۱۰۰	۰/۰۷	۰/۰۱۴
استفاده از رسانه‌ها	۰/۰۷۷	۰/۰۰۵	۰/۰۶۵
عضویت در گروه‌های غیررسمی	۰/۱۱۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷
سن	۰/۰۹۵	۰/۰۱	۰/۰۲۱
تحصیلات	۰/۱۰۲	۰/۰۲۵	۰/۰۱۳
درآمد	۰/۰۵۰	۰/۰۱۴	۰/۲۲۵
منزلت شغلی	۰/۰۸۱	۰/۰۰۶	۰/۰۴۹

روستاها متولد می‌شوند، سال‌های اولیه زندگی را در محیطی می‌گذرانند که به خاطر غلبه روابط آشنایی و کنترل‌های هنجاری، بسی اعتمادآمیزتر و امن‌تر از محیط‌های شهری است. آزمون تفاوت میانگین، نشان می‌دهد که پاسخ‌گویانی که در روستا متولد شده‌اند، به طور معناداری احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به

جدول شماره ۵، نشان‌دهنده نتایج آزمون تفاوت میانگین اعتماد رقیق بر حسب محل تولد افراد است. چنان‌که ملاحظه می‌کنیم میانگین اعتماد رقیق افرادی که در روستا متولد شده‌اند (۷۱/۰۳) به طور معناداری بالاتر از میانگین اعتماد رقیق افرادی است که در شهر متولد شده‌اند (۶۸/۰۶). می‌توان استدلال کرد کسانی که در

این یافته با نتایج پژوهش آزاد ارمکی و کمالی (۱۳۸۳:۱۲۱) همخوانی دارد.

متولدین شهرها دارند. این اعتماد خاص، در دوره‌های بعدی زندگی در شهر، به غریبه‌ها نیز تعمیم می‌یابد و بخشی از آن به عنوان یک نگرش در فرد باقی می‌ماند.

جدول شماره ۵- آزمون تفاوت میانگین اعتماد رقیق بر حسب محل تولد

sig	t	df	Std.deviation	میانگین	فراوانی	متغیر	
۰/۰۱۸	-۲/۳۶۹	۴۷۸	۱۲/۱۵	۶۸/۰۶	۳۵۹	محل تولد	
			۱۱/۳	۷۱/۰۳	۱۲۱	شهر	روستا

بین نسل میان سال انقلاب و جنگ و نسل جوان بعد از جنگ، تفاوت معناداری در میزان اعتماد آنها وجود ندارد. هر چند میانگین اعتماد نسل میان سال بیشتر است. پژوهش آزاد ارمکی و کمالی (۱۳۸۳) نیز رابطه مستقیمی را بین متغیر سن و اعتماد اجتماعی نشان داد که با نتایج این تحقیق مطابقت دارد. یافته‌های پژوهش فیروزآبادی و ناطق‌پور (۱۳۸۵: ۸۲) نیز مؤید آن است که نسل مسن، اعتماد عمومی بالاتری نسبت به نسل جوان دارد.

لازم به ذکر است که رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل قومیت، جنس و وضعیت تأهل با اعتماد رقیق مشاهده نمی‌شود. در پژوهش اجاقلو و زاهدی (۱۳۸۴) نیز بین متغیرهای مستقل جنسیت و وضعیت تأهل با اعتماد اجتماعی رابطه‌ای مشاهده نشد اما یافته‌های پژوهش آزاد ارمکی و کمالی (۱۳۸۳) وجود رابطه بین جنسیت و اعتماد اجتماعی را تأیید می‌کند.

تحلیل چند متغیره

پس از حصول اطمینان از وجود پیش‌فرض‌های رگرسیون در داده‌ها، به آزمون رگرسیون پرداختیم. نتایج آزمون رگرسیون به روش گام‌به‌گام^۲ در جدول شماره ۷، آمده است.

جدول شماره ۶، برون‌داد آزمون تحلیل واریانس اعتماد رقیق را بر حسب عامل نسل‌ها نشان می‌دهد: هرچه از نسل جوان به نسل مسن نزدیک می‌شویم، میانگین اعتماد رقیق افراد افزایش می‌یابد. چنان‌که این عدد برای نسل جوان، میان سال و مسن، به ترتیب برابر است با ۶۸/۸۱، ۶۹/۱۲ و ۷۴/۸۶.

نتایج آزمون بن‌فرونی^۱، نشان می‌دهد که این تفاوت میانگین بین نسل جوان و نسل مسن، معنادار است (sig=۰/۰۰۸). اما میان نسل جوان و نسل میان‌سال، معنادار نیست (sig=۰/۷۳۷). همچنین تفاوت میانگین اعتماد رقیق بین نسل میان‌سال و نسل مسن، معنادار است (sig=۰/۰۴۶). بنابراین میانگین اعتماد رقیق در نسل مسن، تفاوت معناداری با هر دو نسل جوان و میان‌سال دارد. حال آن‌که بین نسل جوان و نسل میان‌سال، تفاوت معناداری وجود ندارد.

به نظر می‌رسد در رابطه با اعتماد اجتماعی، به اندازه‌ای که رویداد انقلاب اسلامی، نسل‌ساز بوده، جنگ تحمیلی واجد این ویژگی نبوده است. به طوری که نسل مسن قبل از انقلاب، به طور معناداری واجد اعتماد بیشتری نسبت به نسل‌های پس از انقلاب (نسل میان‌سال انقلاب و جنگ، و نسل جوان پس از جنگ) است. اما

جدول شماره ۶- آزمون تحلیل واریانس اعتماد رقیق بر اساس متغیر نسل

Sig	F	Std. Error	تفاوت میانگین	میانگین	فراوانی	متغیر فاکتور	
۰/۷۳۷ ۰/۰۰۸		۱/۱۲ ۲/۳۴	-۱/۳۰۸ *-۷/۰۴۸	۶۷/۸۱	۲۳۷	نسل میانسال نسل مسن	نسل جوان
۰/۷۳۷ ۰/۰۴۶	۴/۶۳۹	۱/۱۲ ۲/۳۶	۱/۳۰۸ *-۵/۷۴	۶۹/۱۲	۲۱۳	نسل جوان نسل مسن	نسل میانسال
۰/۰۰۸ ۰/۰۴۶		۲/۳۴ ۲/۳۶	*۷/۰۴۸ *۵/۷۴	۷۴/۸۶	۲۹	نسل جوان نسل میانسال	نسل مسن

گروه‌های غیررسمی، تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی، از مدل خارج شده‌اند. با توجه به مقدار ضریب تعیین هر کدام از متغیرها (R^2) می‌توان گفت که ۹۸/۶۸ درصد از کل واریانس تبیین شده (۰/۵۳۱)، مربوط به چهار متغیر حاصل از نظریه نهادی است و فقط ۱/۳۲ درصد از این واریانس توسط متغیر سن که مأخوذ از نظریه سرمایه اجتماعی است، تبیین شده است.

چنان‌که در این جدول، مشاهده می‌شود متغیرهایی که وارد مدل شده‌اند به ترتیب عبارتند از: اعتماد نهادی، فساد، احساس امنیت و سن. این چهار متغیر در مجموع ۵۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. با توجه به علامت منفی ضریب بتا برای متغیر فساد، می‌توان دریافت که این متغیر با اعتماد رقیق رابطه معکوس دارد. متغیرهای میزان تجربه تبعیض، عضویت در گروه‌های رسمی، استفاده از رسانه‌ها، عضویت در

جدول شماره ۷- آزمون رگرسیون به روش گام‌به‌گام برای اعتماد رقیق

Tolerance	sig	t	Std.Error	B	R ²	β	متغیر
۰/۶۹۱	۰/۰۰۰	۱۰/۳۱۵	۰/۰۳۷	۰/۳۸۳	۰/۴۴۱	۰/۴۷۱	اعتماد نهادی
۰/۶۸۲	۰/۰۰۰	-۵/۳۱۳	۰/۱۱۷	-۰/۶۲۲	۰/۵۰۶	-۰/۲۴۴	فساد
۰/۷۷۳	۰/۰۰۱	۳/۳۹۶	۰/۱۶۲	۰/۵۵۰	۰/۵۲۴	۰/۱۴۷	امنیت
۰/۹۷۶	۰/۰۲۷	۲/۲۲۴	۰/۰۴۱	۰/۰۹۲	۰/۵۳۱	۰/۰۸۶	سن

جدول شماره ۸- آزمون رگرسیون به روش گام به گام برای اعتماد غلیظ

متغیر	β	R ²	B	Std.Error	t	sig	Tolerance
امنیت	۰/۲۳۳	۰/۰۸۳	۰/۱۸۸	۰/۰۴۴	۴/۳۱۳	۰/۰۰۰	۰/۸۱۵
عضویت غیررسمی	۰/۱۳۰	۰/۰۹۷	۰/۰۱۳	۰/۰۰۵	۲/۶۴۶	۰/۰۰۹	۰/۹۸۸
سن	۰/۱۳۶	۰/۱۱۲	۰/۰۳۳	۰/۰۱۲	۲/۷۴۵	۰/۰۰۶	۰/۹۶۷
تحصیلات	۰/۱۳۷	۰/۱۲۷	۰/۰۲۲	۰/۰۰۸	۲/۷۷۳	۰/۰۰۶	۰/۹۶۷
اعتماد نهادی	۰/۱۱۴	۰/۱۳۸	۰/۰۲۰	۰/۰۱۰	۲/۱۰۰	۰/۰۳۶	۰/۸۰۸

جدول شماره ۸، نتایج آزمون رگرسیون به روش گام به گام را بین متغیرهای مستقل و اعتماد غلیظ نشان می دهد:

متغیرهای احساس امنیت، عضویت در گروه های غیررسمی، سن، تحصیلات و اعتماد نهادی، به ترتیب وارد مدل شده اند و در مجموع حدود ۱۴ درصد واریانس متغیر وابسته اعتماد غلیظ را تبیین کرده اند. جهت رابطه برای هر چهار متغیر، مثبت است. به این معنا که با افزایش این متغیرها، اعتماد غلیظ نیز افزایش می یابد. لازم به ذکر است که اگر چه تأکید اصلی تحقیق حاضر بر اعتماد رقیق است و چارچوب نظری مورد استفاده بیشتر بر اساس این نوع اعتماد تدوین شده است^۱ اما در تبیین اعتماد غلیظ نیز متغیرهای نظریه نهادی واریانس بیشتری را تبیین می کنند. چنان که در جدول می بینیم دو متغیر امنیت و اعتماد نهادی، در مجموع ۷۲ درصد از کل واریانس تبیین شده را به خود اختصاص

داده اند حال آن که این مقدار برای متغیرهای نظریه سرمایه اجتماعی در مجموع ۳۲ درصد است.

بحث و نتیجه گیری

یکی از عوامل و مؤلفه های مهم انسجام در هر جامعه ای وجود اعتماد در بین افراد آن جامعه است. اعتماد از حیث شعاع آشنایی، به دو نوع تقسیم می شود: اعتماد غلیظ و اعتماد رقیق. اعتماد غلیظ، همان اعتماد به افراد آشنا است. طبیعی است که شعاع این نوع اعتماد محدود و کوچک است. اعتماد رقیق، اعتماد به افراد و مقوله هایی است که فرد آنها را مستقیماً نمی شناسد اما به واسطه زندگی در جامعه، برداشتی عام از آنها دارد. اعتماد نوع دوم، در جامعه مدرن و پیچیده اهمیت زیادی می یابد.

در این پژوهش جهت بررسی و تبیین اعتماد اجتماعی از دو نظریه استفاده شده است:

الف) نظریه نهادی رزستین و استول.

ب) نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام.

^۱ - اگرچه در نظریه پاتنام هر دو نوع اعتماد مورد نظر است اما در نظریه نهادی رزستین و استول کانون توجه بر اعتماد تعمیم یافته یا رقیق است.

اما در نظریه سرمایه اجتماعی که ریشه در رهیافت توکویل^۲ دارد، وجود هنجارهای دادوستدی و عضویت هر چه بیشتر در شبکه‌ها و گروه‌های رسمی و غیررسمی، موجب افزایش اعتماد فرد به دیگران می‌گردد. به این معنا که تعاملات و ارتباط هرچه بیشتر فرد با دیگران موجب اعتماد به آنها می‌گردد و این به نوبه خود به اعتماد بیشتر به همه افراد ناشناس دیگر در جامعه منتهی می‌شود. به نظر می‌رسد این رهیافت، وجود سطح متناسبی از ثبات، امنیت و نظم نهادی را پیش‌فرض می‌گیرد.

۲- توکویل هنگامی که در اوایل قرن نوزدهم به آمریکا رفت، دریافت که آمریکایی‌ها بیشتر از اروپایی‌ها به هم کمک می‌کنند. او عادات و رسوم و اخلاق عمومی را در آمریکا، علت این امر می‌دانست. به نظر وی مساعدترین شرایط طبیعی و بهترین قوانین مادام که عادات و رسوم و اخلاق، مساعد نباشد برای دوام اساس یک حکومت جمهوری دموکراتیک، کافی نخواهد بود. حال آن که اخلاق می‌تواند نامساعدترین شرایط طبیعی و بدترین قوانین را به نفع خود مهار نماید (توکویل، ۱۳۸۳: ۳۰-۴۲۸). به نظر توکویل، آمریکایی‌ها به واسطه «درک صحیح منفعت شخصی»، بر مسایل مربوط به کنش جمعی فایز آمدند. مفهوم درک صحیح منفعت شخصی، پایه‌ای برای نظریه‌های معاصر سرمایه اجتماعی شد. این مفهوم به معنی «ملاحظه‌ی روشن‌بینانه‌ای» است که موجب می‌شود افراد، داوطلبانه بخشی از وقت و دارایی خود را جهت رفاه جامعه خود اختصاص دهند. این ملاحظه، موجب حل بسیاری از مسایل کنش جمعی مانند متحد شدن در مرزها، ساختن خانه یا عضویت در سازمان‌های مدنی (یاتنام)، یا تقویت اعمال خیرخواهانه مثل صدقه (اسلینز) می‌شود (Uslaner, 1999: 34). به علاوه وی دریافت که آموزش‌های مذهبی آمریکایی‌ها موجب می‌شود که آنها از منافع شخصی خود به نفع منافع اجتماعی بگذرند (Uslaner, 2001: 104).

در نظریه نهادی، تأکید اصلی بر نهادهای کارآمد است که به واسطه کارآمدی و عدالت خود، قراردادهای بین افراد را تضمین می‌کنند و خیانت‌کنندگان به قراردادهای را مجازات می‌نمایند. از این رو شهروندان به این نتیجه می‌رسند که سایر شهروندان به خاطر وجود نهادهای قانونی کارآمد، به اعتماد آنها خیانت نمی‌کنند و بنابراین قابل اعتماد هستند.

ریشه‌های انسان‌شناسانه فلسفی این دیدگاه در نظریه توماس هابز قرار دارد که در آن دولت مقتدر و تضمین‌کننده قراردادهای، موجب نظم و اعتماد در بین شهروندانی است که پتانسیل آن را دارند که در شرایط غلبه وضعیت طبیعی^۱، همدیگر را همچون گرگ بدرند. به نظر هابز (۱۳۸۰: ۱۸۹) این شرایط، «پیامد ضروری امیال طبیعی آدمیان در زمانی است که قدرتی مشخص و مشهود وجود نداشته باشد تا ایشان را در حال ترس و بیم نگه دارد و به موجب ترس از مجازات، نسبت به اجرای پیمان‌های خویش و...» ملزم و متعهد کند.

۱- هابز وضع طبیعی را در مقابل وضعیت مدنی مطرح می‌کند و منظور از آن، شرایطی است که در آن انسان‌ها بدون وجود قدرت عمومی و قانونی که از آن بترسند، در حالت جنگ همه بر ضد همه زندگی می‌کنند. به نظر هابز زندگی اقوام وحشی که بر شهوات طبیعی مبتنی است، ذیل این مفهوم قرار می‌گیرد اما جوامع دیگر، تنها در شرایط جنگ داخلی، به وضعیت طبیعی نزدیک می‌شوند (هابز، ۱۳۸۰: ۹-۱۵۸).

تحصیلات پاسخگو بالا می‌رود از میزان اعتماد او کاسته می‌گردد. به هر حال در اغلب پژوهش‌های انجام شده در ایران و نیز در تحقیق حاضر، یا رابطه‌ای بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و اعتماد وجود ندارد و یا این رابطه معکوس است.

در هر دو حالت این نتایج با پیش فرض نظریه پاتنام مطابقت ندارد. به نظر پاتنام افراد دارای منابع بیشتر، به خاطر این که دیگران با آنها صادقانه‌تر برخورد می‌کنند و نیز چون می‌توانند هزینه‌های خیانت به اعتمادشان را تحمل کنند، قدرت ریسک‌پذیری بالاتر و در نتیجه اعتماد بیشتری هستند.

اما در جامعه مورد مطالعه ما، به نظر می‌رسد که وضعیت به گونه‌ای است که افراد دارای پایگاه اجتماعی بالاتر و به ویژه با تحصیلات بالاتر، به دلایل مختلفی از جمله امکان تحرک بیشتر و نیز آگاهی بیشتر از اوضاع محیط زندگی خود، شناخت بیشتری از وضعیت نابسامان اجتماعی دارند و این خود موجب نوعی بی‌اعتمادی واقع‌بینانه در آنها می‌گردد.

در بهترین حالت، مانند پژوهش حاضر، رابطه‌ای بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و اعتماد اجتماعی وجود ندارد.

اعتماد مانند نظم، موجب پیش‌بینی‌پذیری امور می‌گردد و وجهی از انسجام و وفاق جامعه است. از آن جا که هر چه از نسل مسن به جوان نزدیک می‌شویم، اعتماد، کاهش می‌یابد به نظر می‌رسد که جامعه به سمت

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای استخراج شده از رهیافت نهادی به خوبی (۵۲ درصد) واریانس متغیر وابسته اعتماد رقیق را تبیین می‌کنند. از چهار متغیر مربوط به نظریه نهادی رزستین و استول، سه متغیر اعتماد نهادی، میزان فساد و احساس امنیت اجتماعی، وارد مدل رگرسیون شدند و بیش از ۹۸/۵ درصد از واریانس تبیین شده، مربوط به این متغیرها است.

حال آن‌که از نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، تنها سن آن هم به عنوان آخرین متغیر وارد معادله شده است و تنها حدود ۱/۵ درصد از واریانس تبیین شده مربوط به آن است. سایر متغیرهای این نظریه یعنی میزان عضویت در گروه‌های رسمی و غیررسمی، میزان استفاده از رسانه‌ها و متغیرهای پایگاه اجتماعی اقتصادی از مدل خارج شده‌اند. این متغیرها در تحلیل تک‌متغیره نیز رابطه معناداری با اعتماد رقیق نداشتند.

نتایج تحقیق اجاقلو و زاهدی (۱۳۸۴: ۱۱۶) نشان می‌دهد که بین پایگاه اجتماعی و اعتماد رابطه‌ای وجود ندارد. از طرفی در پژوهش آزاد ارمکی و کمالی (۱۳۸۳: ۱۲۲) افراد پایگاه‌های پایین اقتصادی اجتماعی، واجد اعتماد متقابل بیشتری حتی به دیگران دور^۱ هستند. به علاوه در تحقیق یاد شده رابطه معکوسی بین تحصیلات و اعتماد به دیگران دور وجود دارد. بدین معنا که هر چه

۲- در پژوهش یاد شده اعتماد به دیگران دور تاحدی معادل اعتماد رقیق در پژوهش حاضر است.

با هم صادق باشیم تا این که هر دو از خیانت هم بترسیم و همکاری‌مان کاهش یابد. تنها جستجوگر پارسایی می‌تواند با وجود صادق بودن خود، در مواجهه مداوم با عدم صداقت، آسوده باشد».

به نظر می‌رسد جایگاه و نقش نظریه نهادی، در تأمین شرط «اگر و تنها اگر» در جمله فوق قرار دارد. اگر اعتماد تضمین نشود، سخن گفتن از هنجارها، شبکه‌ها و روابط موجد اعتماد تعمیم‌یافته، جایگاهی ندارد. بدیهی است تضمین کننده اعتماد، نظم نهادی جامعه است. اما آن نوع اعتمادی که باید توسط نظم نهادی تضمین گردد بسی مهم‌تر و بنیادی‌تر از اعتمادی است که در شبکه‌ها به وجود می‌آید.

نوع اول بیشتر به کنش‌هایی راجع است که مشمول قانون می‌گردد اما نوع دوم به کنش‌هایی مرتبط است که در حیطه قانون قرار نمی‌گیرد. در این جا برای روشن شدن مطلب بهتر است به نظر هاردین استناد کنیم. به نظر وی اعتماد یک رابطه سه قسمتی است: اعتماد کننده، اعتمادشونده و موضوع اعتماد (Hardin, 2006: 23). موضوع اعتماد در شرایطی که نظم نهادی کارآمدی وجود ندارد بسیار حیاتی‌تر از موضوع اعتماد در شرایط نسبتاً با ثبات است.

به عنوان مثال در حالت اول فرد نگران آن است که شهروندان دیگر بدون ترس از پیگیری قانون، زمین ملکی او را تصاحب کنند اما در حالت دوم دغدغه او این است

نوعی بی‌نظمی پیش می‌رود که بی‌اعتمادی فزاینده یکی از مؤلفه‌های اصلی آن است و این بیشتر، زاییده ناکارآمدی نهادی است تا ضعف انجمن‌ها و شبکه‌ها^۱. البته این گفته هرگز به معنای آن نیست که گسترش عضویت در انجمن‌های مدنی تأثیر چندانی در پرورش اعتماد ندارد. بلکه بدون وجود نهادهای کارآمد که تضمین‌کننده نظم و وفاداری به اعتماداند، نقش شبکه‌ها و انجمن‌ها، رسانه‌ها و اجزای پایگاه اجتماعی اقتصادی، در حداقل است.

در نظریه نهادی، تأکید اصلی بر حذف عوامل تخریب‌گر و فرساینده اعتماد (فساد، تبعیض، ناامنی و بی‌اعتماد نهادی) است حال آن که در نظریه سرمایه اجتماعی، تأکید عمده بر ایجاد عوامل پرورنده اعتماد (شبکه‌های رسمی و غیررسمی، انواع دارایی‌های اقتصادی، شغلی و فرهنگی) است. بدیهی است که تخریب اعتماد، بسی آسان‌تر از ایجاد و پرورش آن است. تا هنگامی که عوامل فرساینده اعتماد، پابرجا است از دست عوامل پرورنده آن کار زیادی ساخته نیست.

پاتنام در بولینگ تک نفره^۲ (135: 2000) می‌گوید: «اعتماد اجتماعی یک دارایی ارزشمند است اگر و تنها اگر، ضمانت شود. من و تو هر دو بهره خواهیم برد اگر

۲- یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تنها ۲۲۴ نفر یعنی ۳/۳۷ درصد از پاسخ‌گویان، هیچ‌گونه عضویتی در انجمن‌ها و گروه‌های رسمی نداشته‌اند. ۲۵ درصد در یک انجمن، ۱۶/۵ درصد در دو انجمن، ۱۰/۲ درصد در سه انجمن و ۱۱ درصد در بیش از سه انجمن عضو بوده‌اند.

انتخابات دوره‌ای و دوره قدرت، اصل اکثریت و تصمیمات جمعی، اصل تقسیم، کنترل و توازن قوا و قدرت محدود نهادها، اصل حکومت قانون و دادگاه‌های مستقل، اصل حکومت قانون^۱ و بازرسی قضایی^۲، اصل دادخواهی^۳، اصل فرآیند مقتضی^۴، اصل حقوق مدنی، اصل اعمال قانون^۵، اصل عام‌گرایی و انصاف^۶، اصل ارتباط باز(Sztompka, 2002: 19).

به نظر او قابلیت اعتماد را نمی‌توان به صورت مستقیم از طریق سیاست‌ها به وجود آورد اما به طور غیر مستقیم باید مردم و نهادها را پاسخ‌گو کرد و هزینه‌های خیانت به اعتماد را افزایش داد. از این رو به اعتقاد زتومکا بهترین سیاست، ایجاد دموکراسی و تضمین کارکرد عملی آن است.

دموکراسی از دو سو بر اعتماد اثر می‌گذارد: از طرف اعتماد شونده‌ها که موجب افزایش پاسخ‌گویی آنها و علاقه آنها به مورد اعتماد واقع شدن، و از طرف اعتماد کننده‌ها، با فراهم کردن تضمینی در برابر خیانت به اعتمادشان و بنابراین افزایش آمادگی خطرپذیری آنها جهت اعتماد. بنا براین از نظر زتومکا نهادهای دموکراتیک « اثرات دوگانه^۷ » آموزنده‌ای در رابطه با اعتماد دارند(Sztompka, 2002: 24-25).

که اگر در غیبت همکار خود از اداره، کارهای او را انجام دهد، او نیز بعداً جبران خواهد کرد.

پاتنام(۱۳۸۰: ۲۹۵) تأکید می‌کند که « در جوامعی که در آنها مردم می‌توانند مطمئن باشند که اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه جبران می‌شود، احتمال زیادتری برای انجام معاملات و مبادلات وجود دارد». این حصول اطمینان که پاتنام به آن اشاره می‌کند جز با نهادینه کردن بی‌اعتمادی در ساختار نظام سیاسی از طریق اصول دموکراسی ممکن نیست. این مضمونی است که زتومکا به خوبی آن را صورت‌بندی کرده است. وی در بین عواملی که به وجود آورنده زمینه ساختاری مولد اعتمادند بر ساختار نظام سیاسی تمرکز می‌کند و معتقد است که نظم دموکراتیک قدرت عظیمی در خلق اعتماد دارد. این امر واجد سازوکاری تناقض‌آمیز است به این صورت که فرهنگ اعتماد کاملاً منوط به نهادینه شدن بی‌اعتمادی در ساختار دموکراسی است.

بسیاری از اصول سازنده نظم دموکراتیک، نهادینه شدن بی‌اعتمادی را پیش‌فرض می‌گیرند. این نهادینگی بی‌اعتمادی، پشتوانه محکمی است برای آنها که جهت اعتماد کردن آماده خطرپذیری هستند. به طور خلاصه هرچه بی‌اعتمادی نهادی بیشتر باشد، اعتماد خودانگیخته هم بیشتر است و این همان پارادوکس دموکراسی است.

زتومکا معتقد است که حداقل دوازده اصل سازنده دموکراسی وجود دارد که متضمن شکلی از بی‌اعتمادی است(Sztompka, 2002: 16-19): اصل مشروعیت، اصل

1 - Constitutionalism

2 - Judicial review

3 - Litigation

4 - Due process

5 - Law enforcement

6 - Universalism and fairness

7 - Double effects

نمی‌کنند؛ استدلال انتخاب عقلانی، می‌تواند با همان مضمون بدین گونه صورت‌بندی شود:

من به شما اعتماد نمی‌کنم چون شما در صورت خیانت به اعتماد من، می‌توانید به راحتی از چنگ قانون بگریزید و از این حیث ضرری متوجه شما نمی‌گردد.

خلاصه آن که اگر نهادهای کارآمد بتوانند با اعمال درست قانون، وجه گرگ‌صفتانه انسان‌ها را کنترل کنند و کنش‌گران از بی‌اعتمادی و ناامنی حاصل از احتمال آسیب دیدن از سایر شهروندان، خلاصی یابند زمینه مناسبی فراهم می‌شود که در آن گسترش شبکه‌ها و انجمن‌های مدنی می‌تواند موجب شکوفایی وجه انسان‌دوستانه افراد و افزایش اعتماد آنها گردد.

منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی. بحران اجتماعی و روشنفکران ایرانی، فرهنگ اندیشه، سال سوم، شماره ۱۰، صص: ۱۵۲-۱۳۱، ۱۳۸۳.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی و افسانه، کمالی. اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳، صص: ۱۳۲-۱۰۰، ۱۳۸۳.
- ۳- اجاقلو، سجاد و محمدجواد، زاهدی. بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۴، صص: ۱۲۵-۹۲، ۱۳۸۴.

جان کلام نظریه نهادی رزستین و استول، استدلالی است که بدین گونه صورت‌بندی شده است: اگر شهروندان بدانند که این نهادها به‌طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، می‌توانند باور کنند که شانس فرار افراد خاین و غیرقابل اعتماد از چنگال قانون کم است. در نتیجه شهروندان به این نتیجه می‌رسند که «مردم دلیل خوبی برای اجتناب از این گونه رفتارها دارند و بنابراین بیشتر مردم قابل اعتماد هستند» (Rothstein & Stolle, 2008: 16-17).

در این نظریه به طور تلویحی استدلال نظریه انتخاب عقلانی نیز نهفته است. هاردین، نظریه‌پرداز اعتماد در رهیافت انتخاب عقلانی، استدلال می‌کند که اعتماد کننده، منافع طرف مقابل را در وفاداری به اعتماد خود، لحاظ می‌کند و سپس اعتماد می‌نماید. او این نوع اعتماد را مبتنی بر «منفعت لحاظ شده»^۱ طرف مقابل، در فرآیند اعتماد کردن می‌داند.

من می‌توانم منفعت شما را بنا به دلایلی در منافع خودم بگنجانم. از جمله دلایل من این است که به نفع شما است به اعتماد من وفادار باشید تا این اعتماد موجود ادامه یابد. هاردین این دلیل را یکی از مهم‌ترین دلایل اجتماعی برای اعتماد کردن می‌داند (Hardin, 2003: 82-3). در شرایطی که عملکرد نهادی مناسب و کارا نیست؛ فساد و تبعیض در رابطه با نهادها فراگیر شده است و شهروندان یک جامعه، چندان احساس امنیت

- ۴- امیرکافی، مهدی. اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸، صص: ۴۲-۱۰، ۱۳۸۰.
- ۵- اینگلهارت، رونالد. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر، ۱۳۸۴.
- ۶- پاتنام، روبرت. دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: غدیر، ۱۳۸۰.
- ۷- توکویل، آلکسی دو. تحلیل دموکراسی در آمریکا. ترجمه رحمت الله مقدم مراغه‌ای. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۸- چلبی، مسعود. جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی، ۱۳۷۵.
- ۹- چیت‌ساز قمی، محمد جواد. بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی، جوانان و مناسبات نسلی، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص: ۸۵-۱۱۲.
- ۱۰- رفیع‌پور، فرامرز. آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران. تهران: سروش، ۱۳۷۸.
- ۱۱- ساروخانی، باقر. درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان، ۱۳۷۰.
- ۱۲- شارع‌پور، محمود. فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، صص: ۱۱۲-۱۰۱، ۱۳۸۰.
- ۱۳- عباس‌زاده، محمد. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۳، صص: ۲۶۷-۲۹۱، ۱۳۸۳.
- ۱۴- غلامرضا کاشی، محمد جواد و محسن گودرزی. نقش شکاف انداز تجربیات نسلی در ایران، رفاه اجتماعی، شماره ۱۶، صص: ۲۹۲-۲۵۱، ۱۳۸۴.
- ۱۶- فیروزآبادی، سید احمد. نقد و معرفی کتاب بولینگ تک نفره: فروپاشی و احیای مجدد اجتماع آمریکایی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، صص: ۱۵۶-۱۶۴، ۱۳۸۴.
- ۱۷- گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی و دیگران، تهران: مازیار، ۱۳۷۶.
- ۱۸- مرکز آمار ایران. بازسازی و برآورد جمعیت شهرستان‌های کشور بر اساس محدوده سال ۱۳۸۰. تهران: دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۲.
- ۱۹- _____ گزیده نتایج عمومی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶.
- ۲۰- _____ نتایج عمومی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵. <http://www.sci.org.ir> [Online]. [1 July 2007].
- ۲۱- هابز، توماس. لویاتان. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
- 22- Alexander, C. J.(2001). "The Binary Discourse of Civil Society". In: Seidman, S. & J. C. Alexander.(Eds). The New Social Theory Reader. London: Routledge. pp. 193-202.
- 23- Belau, P. M.(2002). "Exchange and Power in Social Life". In: Calhoun, C., Gerteis, J., Moody. J., Pfaff. S., and I. Virk(Eds). Contemporary Sociological Theory. Oxford: Blackwell. pp. 99-109.
- 24- Eisenstadt, S. N. & L. Roniger.(1984). Patrons, Clients and Friends: Interpersonal Relations and the Structure of Trust in Society. London: Cambridge University Press.
- 25-Hardin, Russel.(2006). "The Street-level Epistemology of Trust". In: Kramer. Roderick. M.(ed). Organizational Trust: A Reader. New York: Oxford University Press. pp.21-48.
- 26- Jalava, J.(2003). "From Norms to Trust: The Luhmanian Connections between Trust and

- 35- Simmel, G.(2004). *The Philosophy of Money*. Translated by T. Bottomore. London: Routledge.
- 36- Smelser, N. J. and P. B. Baltes.(2001). *International Encyclopedia for Social and Behavioral Sciences*. U. K: Elsevier Science Ltd.
- 38- Sztompka, P.(2002). "Trust, Distrust and the Paradox of Democracy". *Wissenschafts Zentrum Berlin fur Sozialforschung GmbH(wzb)*. Reichpietschufer 50, D-10785. Berlin. pp.1-27.
- 39- Uslaner, E. M. & M. Brown.(2003). "Inequality, Trust and Civic engagement". *American Politics Research.*, Vol. 31, No.x, pp. 1-27.
- 40- Uslaner, E. M.(2001). "Volunteering and Social Capital: How Trust and Religion Shape Civic Participation in the United States?" In: *Social Capital and Participation in Everyday Life*.(eds). Dekker, P. and E. Uslaner. London and New York: Routledge. pp. 104-117.
- 41- Welch, M. R. & Others.(2005). "Determinants and Consequences of Trust" *Sociological Inquiry.*, Vol. 75, No. 4, pp. 453-473.
- System". *European Journal of Social Theory.*, Vol. 6, No.2, pp. 173-190.
- 27- Lin, N.(1976). *Foundations of Social Research*. New York: Mc Graw Hill.
- 28- Newton, K.(2001). "Trust, Social Capital, Civil Society and Democracy". *International Political Science Review.*, Vol. 22, No. 2, pp. 201-214.
- 29- Newton, K.(2004). "Social Trust: Individual and Cross-national Approach." *Portuguese Journal of Social Science.*, Vol. 3, No. 1, pp. 15-35.
- 30- Paxton, P.(1999). "Is Social capital Declining in the Unite States? A Multiple Indicator Assesment. *The American Journal of Sociology*, Vol.105, No.1. Jul.,1999, pp.88-177.
- 31- Putnam, R. D.(1999). "Civic Disengagement in Contemporary America". *Government and Opposition.*, Lecture Delivered at the London School of Economics on 6 May 1999., pp. 135-156.
- 32- Putnam, R. D.(2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- 33- Rothstein, B., and D. Stolle.(2008). "The State and Social Capital: A Theory of Generalized Trust". *Comparative Politics.*, Vol. 40, No.4, July 2008.
- 34- Simmel, G.(1950). *The Sociology of Georg Simmel*. Translated by K. H. Wolff. London: Free Press of Glencoe.